

## رابطه با بدن

فرا رسیدن سال نو، هم مجال مناسبی است برای خانه تکانی و غبارزدایی از اسباب و وسائل منزل؛ هم فرصت مغتنمی است برای گردگیری ذهنی و تامل در عادات مالوفِ فکری و احوال و مشی و مرام و سلوک شخصی...

اخیرا سوار بر بال خاطرات شدم و به سر وقت گذشته ها رفتم، روزگاری که دانش آموز راهنمایی و دبیرستان بودم. آن ایام، به بازی فوتبال علاقه وافری داشتم و زیاد فوتبال بازی می کردم، تا جایی که یکبار در حین مسابقه فوتبال در مدرسه، به سبب برخورد سنگین با یکی از بازیکنان تیم مقابل، دست و بینی ام شکست و برای جراحی استخوان ساعد، ده روزی بیمارستان بستری شدم و حدودا یک ماهی مدرسه نرفتم. این شوق زیاد تا اواخر دوران دبیرستان با من بود. خاطر م هست برخی از اوقات در منزل، تنهایی با خود فوتبال بازی می کردم و بازی با توپ و حرکت دادن توپ میان پاهایم را خیلی دوست داشتم. در دوران دانشکده داروسازی، و چند سالی پس از اتمام آن دوران، همچنان بازی می کردم؛ اما شوق و محوریت بازی فوتبال، دیگر بسان گذشته نبود و از میان رخت بر بسته بود.

اکنون سالهاست فوتبال بازی نکرده ام؛ به جای آن، از حدودا بیست سال پیش، هر چه پیشتر آمده ام، علاقه ام به خواندن و نوشتن بیشتر شده است. جالب است در دو سال اخیر، در قیاس یا پنج سال پیش، علاقه ام به نوشتن بیشتر شده، از نوشتن لذت وافر می برم و وقت عمیقا خوش می شود؛ تو گویی، نمی توانم ننویسم و اگر 6-7 روزی بگذرد و قلم نزنم، احساس می کنم یک جای کارم می لنگد و کلافه می شوم.

به نظرم، در سالیان اخیر، رابطه قوی و تعامل دلنشین بی واسطه ای با دستانم پیدا کرده ام. اگر روزگاری، پاهایم این نقش را ایفا می کرد و از تمرکز روی پا و حرکت دادن توپ از میان پاهایم لذت می بردم، اکنون، دستانم جایگزین پاهایم شده و چه وقتی که مثل این اوقات دست به کی برد می شوم و می نویسم، چه اوقاتی که سطور سپید کاغذ را سیاه می کنم و قلم می زنم، شکوفا می شوم؛ چرا که دستانم در تعامل با جهان پیرامون محوریت پیدا کرده اند. برخی از اوقات، در خلوت به دستانم می نگرم و از تماشا کردن آنها لذت می برم.

چندی پیش، برخی از نوشته های هایدگر درباره « دست » و توسعه رابطه انسان با بدن و اعضا و جوارحش را می خواندم؛ بصیرت ها و بارقه های خوبی داشت. تامل کردن در نوع رابطه ای که ما با بدن خویش و اعضای آن داریم، در جای خود تامل برانگیز و رهگشاست.

چنانکه در می یابم، در روزگار کنونی، فلسفه ورزشی رهگشا، افزون بر برساختن مفاهیم جدید، استدلال ورزشی و بررسی تناسب میان مدعا و دلیل، سویه های انضمامی هم دارد. دلمشغول احوال اگزیتانسیلی نظیر اضطراب، دلهره، غم، سرشت سوگناک هستی، معنای زندگی... بودن، بخشی از این نوع مواجهه است؛ پرداختن به رابطه با بدن و اعضای آن نیز بخش دیگری از این کند و کاو انضمامی دل انگیز و روح نواز است.